

رهنمودهایی برای نزول در دوزخ

دوریس لسینگ

مترجم

علی اصغر بهرامی

© 2008 by The Author

این دنیای بسیار کوچک فقط همان شش سیز دنیای محض روحانی است که چنان کوچک اند که به تصور نمی‌کنند این موجودات در لایه‌های نازک ماهی که هر بلندی شش زاویه گرفته است سینه‌ها می‌کنند درست مثل ماهی‌ها که در اقیانوس شنا می‌کنند که کوهی زمین را پوشانده است هر جمع گیاهان و حیواناتی که در این آب‌های دریا می‌بینی آن‌ها می‌کنند حیواناتی که در آنجا تکثیر می‌کنند و وجود دارد که ماهی‌ها و میز آبی، می‌تواند در سینه ماهی‌ها شناخت و آواز گرم‌هایی که بی نهایت کوچک هستند و در سینه ماهی‌ها شناخت می‌گیرند، شنا می‌کنند، فقط می‌خورند، نفس می‌کشند، می‌توانند در سینه ماهی‌ها شناخت که چنان کوچک است که حواس ما آدمیان در آن درک می‌تواند، در این دنیا نظری در زمین این که یک دانه‌ی شش سینه‌ی دیگر جدا می‌کند به دور این می‌ماند تاریک و پنهان.



نقشروای

تهران

۱۳۹۴

www.naqsherooyan.com

بیمارستان مرکزی

برگ پذیرش

جمعه، ۱۵ اوت ۱۹۶۹

نام: نامعلوم

جنسیت: مذکر

سن: نامعلوم

آدرس: نامعلوم

گزارش کلی

... دوازده نیمه شب پلیس بیمار را پیدا کرده است. بیمار روی خاکریز نزدیک پل واترلو سرگردان بوده است. پلیس فکر می کرده است بیمار مذکور مست یا نشته‌ی مواد مخدر است، و به همین دلیل او را به کلاتری جلب کرده است. طبق گزارش پلیس بیمار حرف‌های بی سروته می زده، آشفته و مطیع بوده است. ساعت ۳ بامداد تحویل ما شده است. زمان پذیرش، بیمار چندین بار سعی کرد روی میز تحریر بخوابد. انگار فکر می کرد که میز تحریر قایق یا کلک است. پلیس به بندرها، کشتی‌ها و مکان‌های مشابه مراجعه و پرس و جو می کند. سر و وضع بیمار خوب بود اما لباس‌هایش را مدتی عوض نکرده بوده است. به نظر نمی آمد که چندان گرسنه و تشنه باشد. بیمار شلوار و پلیور به تن داشت، اما اوراق شناسایی یا کیف پول یا پول یا نشانه‌ی هویت به همراه نداشت. پلیس فکر می کند اشیای او را به سرقت برده‌اند. بیمار مرد تحصیل کرده‌ای است. دو قرص لیبریوم به او داده شد اما به خواب نرفت. با صدای بلند حرف می زد. مزاحم بیماران دیگر بود و به بخش کوچک مراقبت انتقال یافت.

پرستار کشیک شب ۶ بامداد